

مضامین شعری مشترک پروین اعتصامی و عائشه تیمور

فاروق نعمتی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱

ایوب مرادی**

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۰

چکیده

عائشه تیمور شاعر برجسته معاصر مصر و پیشگام نهضت ادبی زنان در این کشور، و پروین اعتصامی مهین بانوی شعر و ادب ایران که هر دو تربیت یافته خانواده‌ای ریشه‌دار و فرهنگی بودند، اشعار نغز و گران‌سنگی را به دنیای شعر معاصر عرضه کردند. این دو بانوی شاعر، از سرچشمه غنی آموزه‌های اسلامی و فرهنگ دینی، بهره‌های فراوان جستند و از آن در جهت باروری مضامین شعری خود استفاده کردند. توصیه به برخی صفات دینی و اخلاقی هم‌چون حجاب و عفت، صبر و بردباری، استفاده واژگانی و معنایی از آیات قرآن کریم، از جمله مضامین سروده‌های این دو شاعر است. هم‌چنین غم‌سروده‌های مشترک، و بیان عاطفه مادری، از دیگر موارد اشتراک در اشعار این دو سراینده است.

کلیدواژه‌ها: پروین اعتصامی، عائشه تیمور، زنان شاعر، ادبیات معاصر، حجاب.

مقدمه

در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد، که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود؛ و در نقطه دیگر از جهان، همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد. بدون شک اگر آثار لطیف و هنرمندانه زنان نمی‌بود، عرصه ادبیات و شعر از بسیاری جوانب عاطفی و زیبای خود محروم می‌شد. «تحولات شعر فارسی و عربی، با توجه به اشتراک شرایط فکری، فرهنگی و اجتماعی در یکی دو سده اخیر، تقریباً صورت مشابهی داشته است» (خسروی، ۱۳۸۷ش: ۲۷). در این میان عائشه تیمور و پروین اعتصامی در زمره شاعران برجسته معاصر زن هستند که در نهضت ادبی مصر، و نیز پس از مشروطه در ایران منشأ تحولی عمیق در زمینه شعر زن شدند.

هر دو شاعر در شرایط تا حدودی مشترک به سر می‌بردند، که در آن زنان از حضور در میادین ادبی و اجتماعی محروم بودند. در ایران دوره مشروطه، در کنار این محرومیت عمومی زنان از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرایط فرهنگی و اجتماعی نیز مانع بروز خلاقیت ادبی زن ایرانی می‌شد و او را از رشد طبیعی محروم می‌کرد (دهباشی، ۱۳۸۳ش: ۸۷۰).

این مقاله با بررسی و تحلیل اشعار دو شاعر زن، عائشه تیمور و پروین اعتصامی، شعر آن دو را در حیطه معنا و مضمون مورد مطالعه قرار می‌دهد، و به برشمردن مشابهت‌ها و تفاوت‌های دو شاعر در این زمینه می‌پردازد. افق‌های مشترک شعر و اندیشه این دو سراینده، با نگاهی به درون‌مایه‌های مشترک و گاه متفاوت اشعار ایشان، و با ذکر نمونه‌هایی از شعر هر یک، بیان می‌کند که دو شاعر در یک برهه زمانی، و با وجود فرسنگ‌ها فاصله و بی‌خبری از وجود یکدیگر، می‌توانند از مشابهت‌های گوناگون برخوردار باشند. البته چنین تحلیلی، بر بنیان رویکرد مکتب آمریکایی استوار است؛ این مکتب بر خلاف مکتب فرانسه، بر آن عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به

تقارن تاریخی میان آن دو نیست؛ بدین مفهوم که بدون اینکه مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد، و یا اینکه ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (کفافی، ۱۳۸۲ش: ۱۴).

در این جستار با روش مطالعه درون‌متنی، درون‌مایه‌هایی هم‌چون برخی مضامین اخلاقی و حکمی، بهره‌گیری لفظی و معنایی از قرآن کریم، و مرثیه‌ها و غم‌سروده‌ها را به‌عنوان درون‌مایه‌های مشترک، و وجود غزل و مدائح نبوی در شعر عائشه تیمور و نیز وجود برخی مضامین اجتماعی در شعر پروین اعتصامی را به‌عنوان درون‌مایه‌های متفاوت دو شاعر، همراه با ذکر مثال‌ها و شواهد متعددی از میان اشعار آن‌ها، به مطالعه تطبیقی اشعار این دو شاعر خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

درباره شعر عائشه تیمور مطالعات و بررسی‌های چندانی صورت نگرفته است و تنها در برخی کتاب‌های عربی، تا حدودی به زندگی و شخصیت ادبی او پرداخته شده، که از آن میان می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «عائشه تیمور، شاعر الطلیعة» از می زیاده؛ «أعلام النساء» از عمر رضا کحالة؛ «اتجاهات الأدب العربی فی السنین المائة الأخيرة» از محمود تیمور؛ «عائشه تیمور، تحدیات الثابت و المتغیر فی القرن التاسع عشر» از هادی الصدة.

ولی برخلاف عائشه تیمور، مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های فراوانی در مورد پروین اعتصامی نوشته شده، که به بررسی جوانب مختلف شعری او پرداخته‌اند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «نگاهی به اسلوب شعری و مضامین مشترک شعری دو شاعره: پروین اعتصامی و نازک الملائکه»، مجله علوم انسانی، ش ۱۶، تابستان ۸۸ از علی نظری و دیگران؛ «نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی»، مجله زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، ش ۳، بهار ۹۰ از ابوالفضل ذوالفقاری

و مسلم میرزایی؛ «مادر از دیدگاه دو ادیب معاصر: پروین اعتصامی و انیسه عبّود»، مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، سال سوم، ش ۹، بهار ۸۸ از مریم پیکان‌پور؛ «آموزه‌های قرآنی در آئینه شعر پروین اعتصامی»، مجله زن و فرهنگ، دانشگاه آزاد اهواز، ش ۳، بهار ۸۹) از سهیلا لویمی و فرخنده بهامیریان؛ «اندیشه فلسفی در شعر پروین اعتصامی»، مطالعات زنان، ش ۶، پاییز ۸۷ از مهین پناهی؛ «انعکاس نابرابری‌های اجتماعی در شعر پروین اعتصامی»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۷، بهار ۸۷ از اکبر مجدل‌الدین؛ «المرأة بین پروین اعتصامی و باحثة البادية»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم تهران، ش ۱۱، بهار و تابستان ۸۲ از حامد صدقی؛ «مضامین قرآن در شعر پروین اعتصامی»، پژوهش دینی، ش ۱۰، تابستان ۸۴ از وحید سبزیان‌پور.

بر همین اساس تاکنون پژوهشی تطبیقی از مضامین شعری عائشه تیمور و پروین اعتصامی، به‌عنوان دو شاعر برجسته در شعر معاصر مصر و ایران صورت نگرفته است.

گذری بر زندگی عائشه تیمور

عائشه عصمت تیمور (تیموریه) نویسنده و شاعر، و از "نوابغ مصر" (صقر، ۱۹۶۷م: ۲۲۴) به سال ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م در قاهره متولد شد. پدرش اسماعیل پاشا تیمور و مادرش ماهتاب هانم کنیزی آزادشده از نژاد چرکسی بود (فواز، ۱۳۱۲ق: ۳۰۳)، خاندان تیموریه اصالتاً کرد هستند؛ بزرگ این خاندان و جد عائشه، محمد بیگ کاشف‌گرد از افسران بلندپایه محمد علی پاشا، "خدایو مصر"، و از کردهای "قره‌جولان" در شمال موصل بود (روحانی، ۱۳۸۲ش، ج ۲: ۸۷).

علاوه بر عائشه افراد دیگری از خانواده تیموریه نیز در عرصه علم و ادب، نقش بارزی را در جهان عرب و به‌ویژه در مصر ایفا کردند، که از جمله آنها می‌توان به علامه احمد تیمور پاشا (۱۸۷۱-۱۹۳۰م)، برادر ناتنی عائشه و نیز فرزندانش محمود تیمور پاشا (۱۸۹۴-۱۹۷۳م) و محمد تیمور پاشا (۱۸۹۲-۱۹۲۱م) اشاره کرد، که هر دو

آن‌ها در زمینه نمایشنامه‌نویسی و ادبیات داستانی مصر و جهان عرب، نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

عائشه در خانواده‌ای مرفه و مشهور پرورش یافت، و با اعضای خانواده سلطنتی مصر و نیز طبقات مختلف زنان ارتباط داشت (فهمی، ۱۹۵۴م: ۴). او به‌رغم میل مادرش که می‌کوشید دخترش را با هنرهای دستی و امور منزل آشنا کند، بیش‌تر شیفته خواندن و نوشتن بود؛ و همین امر باعث شد که سرانجام عائشه با روشن‌بینی پدر در وادی علم و ادبیات و سرودن شعر پای بگذارد و استعداد خود را شکوفا نماید (زکی، بی‌تا، ج ۲: ۴۴۰).

عائشه در دوازده‌سالگی به مطالعه کتاب‌های ادبی و دیوان‌های شاعران پرداخت، و نزد پدرش، «شاهنامه» فردوسی و «مثنوی» مولوی را فرا می‌گیرد، و زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را فراگرفت (همان: ۴۴۱). عائشه خود می‌گوید که نخستین اشعارش را به زبان فارسی سروده (همان)، و گویا ابیات فارسی زیر بوده است:

ایا مهتاب تابنده شکوفه‌ام شد پراکنده
تو را بخشم خفارت‌ها کدامک کرد پژمرده
چه داغ، آن داغ جمرآسا چو بینم دسته آزرده

(همان: ۴۴۱)

او به سه زبان عربی، ترکی و فارسی شعر می‌سرود (صویرکی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۱۰)، وی سرانجام در سال ۱۹۰۲م در قاهره درگذشت (همان)، و در گورستان "قرافة الامام" قاهره به خاک سپرده شد (فهمی، ۱۹۵۴م: ۴۵).
در توصیف او گفته‌اند: «او زنی پرهیزکار بود؛ نماز به پای می‌داشت و روزه می‌گرفت و همه واجبات دینی را انجام می‌داد» (کحاله، ۱۹۸۴م، ج ۳: ۱۷۹). نبیل‌الحاج از تاریخ‌نگاران معاصر درباره وی می‌گوید: «ادبیات عرب در خلال قرن نوزدهم، زنی ادیب و شجاع همچون عائشه تیموریه که تحمل مسئولیت دفاع از زن عرب را بر عهده

گیرد، به خود ندیده است؛ او پیشگام ادبیات زنان در دوره معاصر بود و می‌کوشید زن عرب را از سنت‌ها و قید و بندهایی که تنها با دستاویز قراردادن محافظت از عفتش، او را همچون زینتی کرده‌اند، آزاد نماید» (صویرکی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۱۱).

شعر عائشه رهایی از زنده‌به‌گورشدن عاطفه زنان را به ثبت رساند، و آنان را تشویق کرد تا با آزادی، به بیان احساسات خود پردازند (عبدالرحمن، ۱۹۶۲م: ۱۹). به باور عقاد، از ناقدان معاصر، از سروده‌های محمود سامی بارودی (۱۹۰۴م) و محمود صفوت ساعتی (۱۸۸۰م) که بگذریم، شعر عائشه در بالاترین سطحی قرار می‌گیرد که ادیبان مصر در اواسط سده نوزده میلادی تا قیام عربی پاشا، بدان دست یافته‌اند (عقاد، بی‌تا: ۱۲۵). مجموعه اشعار عائشه را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: شعر تعارف، شعر خانوادگی، غزل، شعر اخلاقی، و شعر دینی (زیاده، ۱۹۸۳م: ۱۰۱).

دیوان اشعار فارسی و ترکی با نام «شکوفه»، دیوان اشعار عربی با نام «حلیة الطراز»، «نتائج الأحوال فی الأقوال و الأفعال» (حکایات اخلاقی و آموزنده)، و «مرآة التأمل فی الأمور» (کتابی ادبی و اخلاقی) آثار عائشه تیمور است. البته گویا دیوان فارسی و ترکی وی از بین رفته، و تنها سه کتاب اخیر او به چاپ رسیده است.

نگاهی به زندگی پروین اعتصامی

اختر چرخ ادب، و بانوی سخن‌سرای شعر معاصر ایران، زرخشنده/اعتصامی، در سال ۱۹۰۷/۱۲۸۵م در تبریز به دنیا آمد. پدرش تخلص "پروین" را برای او برگزید (فیضی، ۱۳۸۳ش: ۳۱). پدر پروین، میرزا یوسف اشتیانی، ملقب به اعتصام‌الملک، به دلیل تسلط بر زبان فارسی و ترکی، از نویسندگان و مترجمان مشهور زمان خود بود. هم‌چنین مدیریت مجله ادبی "بهار" را نیز برعهده داشت (آرین‌پور، ۱۳۷۶ش، ج ۲: ۵۳۹). پروین چهار برادر داشت، که همگی آن‌ها نیز از ادیبان و علمای آن زمان بودند.

پروین در آغاز زندگی خود، به مطالعه و تحقیق مشغول شد و در یازده‌سالگی، با

فردوسی، نظامی، ناصر خسرو و دیگر شاعران ایرانی آشنا گردید. ادبیات فارسی و انگلیسی را در مدرسه آمریکایی آن زمان فرا گرفت و حتی به تدریس نیز پرداخت. او در ازدواج شکست خورد، ولی موضوع شخصی را ناچیزتر از آن شمرد که با پرداختن به آن، از مصالح عمومی و منافع و مسائل اجتماعی غافل بماند (تراپی، ۱۳۸۵: ۲۳۴)؛ عمر زیادی نکرد، و در سال ۱۹۴۲/۱۳۲۰م در سن سی و پنج سالگی، به دنبال ابتلا به بیماری حصبه درگذشت و در آرامگاه خانوادگی اش در شهر قم به خاک سپرده شد.

مضامین مشترک در اشعار دو شاعر

أ. برخی مضامین مشترک دینی و اخلاقی

به طور کلی مهم ترین افکار و اندیشه های دینی و اخلاقی عائشه تیمور را می توان در موارد زیر برشمرد:

- سرانجام هر کسی به مرگ و قبر منتهی می شود؛ پس چرا مردم با یکدیگر به ستیز و جدال مشغول اند؟!
- مادر بودن، ارزشمندترین مفهوم زندگی، و سرچشمه عشق پاک و حقیقی است.
- صبر و بردباری، نوعی عبادت و به معنی تکیه بر ذات خداوند متعال است؛ در مقابل، بی تابي و ناشکیبایی نیز کفر و بی دینی است که تنها از فردی کم خرد و سست ایمان صادر می شود.
- خوشبختی حقیقی در این زمین آکنده از شر و بدی حاصل نمی شود، بلکه سعادت واقعی تنها در سرای جاویدان محقق خواهد شد.
- بر انسان لازم است که هیچ گاه بر پیروزی و موفقیت خود مطمئن و مغرور نگردد، چراکه روزگار همواره در حال دگرگونی و تغییر است (عبدالمنعم خفاجی، ۱۹۹۲م، ج ۲: ۱۲۹-۱۳۰).

پروین نیز شاعر تربیت و اخلاق است؛ ولی تربیت و اخلاق او مبتنی بر اندیشه های

عرفانی است. آنچه مطلوب اوست و به اعتقاد او، استقرار عدالت و غلبه خیر و محبت را در عالم ممکن می‌سازد، تربیت اخلاقی است که بین ایمان و عمل، تعادل به وجود می‌آورد، و زندگی انسانی را از سطح ارضای شهوت‌ها و نیازهای مادی والاتر می‌برد (زرین کوب، ۱۳۷۲ش: ۳۶۹-۳۷۲). مهم‌ترین اندیشه‌های دینی و اخلاقی او را می‌توان در این موارد زیر خلاصه نمود: ذکر و یاد خدا، و در نتیجه، آزاد و آرام‌زیستن در پناه تعالیم الهی؛ اصل قراردادن سعی و تلاش مستمر؛ کسب تقوی و پرهیزگاری واقعی در مرتبه اعتقاد و عمل؛ بیزاری از ظلم و ستم؛ نفس‌انگاره و پرهیز از آن، و خطر اضلال و اغوای شیطان و ابلیس؛ و حقیقت‌محوری (اکبری، ۱۳۸۰ش: ۱۰۶).

توصیه به حجاب و عفت

عائشه و پروین هر دو بر لزوم پوشش و حجاب تأکید داشتند، و این اعتقاد را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. عائشه که خود زنی صاحب فضیلت و مقید به رعایت حجاب بود (زیاده، ۱۹۸۳م: ۷۴)، دیوانش را با توصیه به حفظ حجاب و پاکدامنی آغاز کرده و می‌گوید:

بِیْدِ الْعِفَافِ أَصُونُ عِزِّ حِجَابِي وَ يَعْصِمُنِي أَسْمُو عَلِي أْتْرَابِي
وَ بِفِكْرَةٍ وَ قَادَةٍ وَ قَرِيحَةٍ نَقَادَةٌ قَدْ كَمَلَتْ آدَابِي
وَ لَقَدْ نَظَمْتُ الشُّعْرَ شَيْمَةَ مَعْشَرٍ قَلِيلِي ذَوَاتِ الْخُدْرِ وَ الْأَحْسَابِ
(تیمور، ۱۸۸۶م: ۳)

- با دست عفاف و پاکدامنی، عزت و حرمت حجابم را حفظ می‌کنم، و با عصمت و آبرویم، بر همگانم برتری می‌جویم.
- ادب و تربیت من در سایه اندیشه روشن و قریحه تیزبین، به مرز کمال رسیده است.
- من نیز مانند زنان عفیف و با اصل و نسب پیش از خود به سرودن شعر پرداختم.

وی در ادامه حجاب و پوشش را مانع شکوفایی استعدادها، و رسیدن به جایگاه‌های والا و بلند نمی‌داند:

مَا ضَرَّتْني أَدْبِي وَ حُسْنُ تَعَلُّمِي إِلَّا بِكَوْنِي زَهْرَةَ الْأَلْبَابِ
مَا عَاقَبَنِي خَجَلِي عَنِ الْعُلِيَاءِ وَ لَأَا سَدَلُ الْخِمَارِ بِلُمَّتِي وَ نِقَابِي
عَنْ طَيِّ مِضْمَارِ الرَّهَانِ إِذَا اشْتَكَّتْ صَعَبَ السَّبَاقِ مَطَامِحِ الرُّكَّابِ
بَلْ صَوْلَتِي فِي رَاحَتِي وَ تَفَرُّسِي فِي حُسْنِ مَا أَسْعَى لِخَيْرِ مَآبِ
(همان: ۴)

- ادب و کسب دانش برای من ضرری نداشته، بلکه موجب شده که در میان زنان، چون گلی جلوه‌گر شوم.

- شرم و آرم و هم‌چنین داشتن چادر و نقاب،

- آن‌زمان که سواران در میدان مبارزه برای رسیدن به هدف، شکوه و گلایه سر دهند؛ مرا از ترقی و کمال باز نداشته است.

- قدرت و توان من در دست‌هایم، و در اندیشه و ذکاوت من است؛ برای رسیدن بهتر به سرانجامی نیکو که در پی آن هستم.

چنین تحلیل زیبایی از مسئله حجاب و پوشش، نمایانگر تعهد شاعر به ارزش‌های اسلامی است که به آن افتخار می‌کند (صده، ۲۰۰۴م: ۱۳۱)؛ شاعر بهره حقیقی انسان از زندگی را، در گرو عفت و پاکدامنی دانسته، و خوشبختی از نظر او با اخلاق نیکو و پسندیده معنا می‌یابد، که حجاب نیز از جمله آن‌ها است:

مَا الْحِظُّ إِلَّا امْتِلَاكُ الْمَرْءِ عِفَّتَهُ وَ مَا السَّعَادَةُ إِلَّا حُسْنُ أَخْلَاقِ
(تیمور، ۱۸۸۶م: ۵۹)

- بهره آدمی از زندگی، در حفظ عفت و پاکدامنی اوست؛ و خوشبختی تنها در داشتن اخلاقی نیکوست.

پروین/اعتصامی نیز موضوع حجاب و پوشش را در شعر خود مطرح می‌کند؛ او بر

این نکته تأکید داشت که نجات زنان ایرانی از عقب‌ماندگی، نه با بازداشتن آنان از حجاب و عفت، بلکه با رهایی آنان از قید و بندهای نادانی و غفلت، و استبداد و استعمار ممکن است (دهباشی، ۱۳۷۰ش: ۴۲۶). در شعر او برخلاف برخی از شاعران غرب‌زده مشروطه، نه تنها ترویج فرهنگ بی‌حجابی به چشم نمی‌خورد، بلکه همه‌جا طرفدار فضیلت، اخلاق، معنویت، و مشوق تحصیل علم و برتری علمی زنان است (محمدی، ۱۳۸۷ش: ۷). پروین معتقد بود که زیورآلات و برهنگی زنان، موجب عزت و بزرگی آنان نمی‌شود، بلکه چنین امری عین فساد و تباهی است:

برای جسم خریدیم زیور پندار برای روح بریدیم جامه خندان
نه رفعت است، فساد است این رویه فساد نه عزت است، هوان است این عقیده، هوان

(اعتصامی، ۱۳۸۴ش: ۶۶)

پس زنی که جایگاه واقعی خود را می‌شناسد و به ارزش حقیقی خود آگاه است، نباید احترام و جایگاهش را در زیورآلات و جواهرات بداند:

بانوست که خود را بزرگ می‌شمرد به گوشواره و طوق و به پاره مرجان

(همان: ۱۶۷)

در نگاه پروین انحراف از اخلاق، و دنباله‌روی از لذت‌های مادی، جز پشیمانی در پی نخواهد داشت:

پا به راه راست باید داشت کاندرا راه کج‌مانی و مطالعات فرهنگی

توشه‌ای و رهنوردی جز پشیمانی نبود

(همان: ۳۴۴)

و در بیتی دیگر می‌گوید:

ای خوش از تن کوچ کردن خانه در جان داشتن

روی مانند پیری از خلق پنهان داشتن

(همان: ۲۳۴)

البته وی نیز به طور عملی و همانند عائشه تیمور، به مسئله حجاب و عفت پایبند بود؛ ملک الشعراء بهار نیز علت عدم گرایش پروین به غزل و عشق را عزت نفس و عفت او می‌داند (اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۴).

توصیه به صبر و شکیبایی

توصیه به صبر و شکیبایی از مضامین اخلاقی مشترک در اشعار عائشه و پروین است؛ عائشه بردباری را مایه شفای دردها، و سودمندترین وسیله برای شفای درون آدمی دانسته:

قَدْ رَأَيْتُ الشَّفَا بِالصَّبْرِ مُمْتَرِجًا وَ الصَّبْرُ أَحْمَدُ مَا أُجْدَى وَ مَا نَفَعَا

(تیمور، ۱۳۸۶: ۵۶)

- دریافتم که شفای انسان، در گرو شکیبایی اوست؛ و بردباری، بهترین و سودمندترین وسیله برای آدمی است.

صبر در نگاه او هم‌چون هدایت‌گری است، که شاعر را به صراط مستقیم خود رهنمون می‌سازد:

إِنْ ضَلَّ سَعْيِي فَهَادِي الصَّبْرِ يُرْشِدُنِي إِلَى طَرِيقِ رَشَادِي وَ اسْتِقَامَاتِي

(همان: ۵۴)

- اگر سعی و کوشش من به هدر رفته است، پس هدایتگر شکیبایی، مرا به راه هدایت و استقامت خود رهنمون خواهد ساخت.

پروین نیز همسو با عائشه، بردباری را لازمه زندگی می‌داند:

او شکیبایی و ایستادگی در برابر مشکلات را از درس‌های روزگار می‌داند، که باید همواره به آن توجه داشت:

از آن زمانه به ما ایستادگی آموخت که تا ز پای نیفتیم تا که پا و سری

(همان: ۲۸۸)

دوری از نفس اماره

عائشه تیمور تبعید از نفس اماره را سبب از دست دادن کمال و بزرگی بشر می‌داند، و خطاب به خود می‌گوید:

وَ طَوَّعُ أَمَّارَتِي بِالسُّوءِ قَيْدِنِي
عَنِ الْوُصُولِ لِغَايَاتِ الْكَمَالَاتِ

(تیمور، ۱۸۸۶: ۵۳)

- و پیروی از نفس اماره، مرا از رسیدن به اهداف و کمالات بازداشت.

پروین اعتصامی نیز نفس اماره را موجب تاریکی قلب انسان می‌داند:

گر سوی تو دیو نفس، ره یابد
تاریک نمایدت دل روشن

(اعتصامی، ۱۳۸۴ش: ۴۱۹)

بهره‌گیری مشترک از واژگان و مضامین قرآنی

عائشه و پروین نگاه ویژه‌ای به قرآن کریم داشتند، و از آیات آن در اشعار خود بهره می‌گرفتند. البته تفاوت دو شاعر در این است، که عائشه تیمور بیش‌تر از واژگان و عبارات قرآنی بهره گرفته، و به نوعی اقتباسات لفظی در اشعار وی فراوان است. ولی پروین اعتصامی به مضامین و معانی قرآن توجه بیش‌تری داشته و آن را هم‌چون مرواریدهای گران‌بها در اشعار خود جلوه‌گر کرده است.

تأثیرپذیری عائشه از قرآن کریم به دلیل تربیت او در خانواده‌ای مذهبی و علمی است. او همواره بر مطالعه حکایات قرآنی و درک معانی آن تأکید داشت (تیمور، ۱۸۸۸:

۳) و پیوسته با تلاوت قرآن و خواندن دعا همدم بود، چنانکه خودش می‌گوید:

وَاللَّهِ لَا أَسْأَلُ التَّلَاوَةَ وَالِدُعَا
مَا غَرَّدَتْ فَوْقَ الْغُصُونِ طُيُورُ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۱۰)

- به خدا سوگند! تا آن هنگام که پرندگان بر شاخساران آواز می‌خوانند، از تلاوت

قرآن و دعا باز نخواهم ایستاد.

و باز در ابیاتی دیگر، برادرش را به تلاوت قرآن ترغیب می‌کند و قرآن را روح وجود و عامل هدایت بندگان می‌داند:

و اقرأ کتابَ الله عزَّ نَآؤُهُ
فَهُوَ الْمُجِيدُ وَ بِالثَّنَاءِ حَقِيقُ
روحُ الْوُجُودِ عَلَى الْبَشِيرِ مُنْزَلُ
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ الْوَرَى وَ يَسُوقُ

(همان: ۲۱)

- کتاب خداوند بلندمرتبه را بخوان؛ چراکه خدایی بزرگ و شایسته ستایش است.
- قرآنی که روح هستی است و بر رسول خدا(ص) نازل شده، و مردم را به هدایت رهنمون ساخته و سوق می‌دهد.

بهره‌گیری شاعر از قرآن کریم، در دیگر فنون شعری وی هم‌چون غزل و رثاء نیز به شکل نیایش‌گونه دیده می‌شود؛ به نمونه‌هایی از اقتباسات قرآنی او اشاره می‌کنیم:

أما رأيتَ غُصُونَ الرُّوضِ رَاقِصَةً
وَأُنْجُمَ الْأَفْقِ حَيَّنًا بِإِشْرَاقِ
وَقَدْ تُعَانِقُ دُوحَ السَّرْوِ مِنْ طَرْبِ
وَ كَادَ يَلْتَفُّ ذَاكَ السَّاقُ بِالسَّاقِ

(همان: ۵۰)

- آیا شاخه‌های درختان باغ را نمی‌بینی که به رقص درآمده‌اند؟! و ستارگان افق را که با درخشش خود به ما سلام می‌کنند!
- با شور و اشتیاق، با درختان بزرگ سرو هم‌آغوش شده‌اند و ساقه‌های درختان نیز در هم تنیده‌اند.

اقتباس از آیه ﴿وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ﴾ (قیامت/۲۹) در بیت دوم مشهود است.

أه لها مِنْ مُهْجَةٍ شَبَّتْ بِهَا
شَوْقٌ تَكُونُ مِنْ سَعِيرٍ مُحْرِقِ
نَارٌ وَ مَا أَدْرَى الْعَوَازِلُ مَا هِيَ
لَا غَرَوَ إِنْ يُدْعَى بِنَارٍ حَامِيَةٍ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۸)

- آه! از قلبی که آتش در آن شعله‌ور شد و سرزنشگران حقیقت آن را درک نکردند!
- اشتیاقی که از شراره‌ای سوزان جان گرفته، و شگفت نیست که "نار حامیه"

خوانده شود.

شاعر در بیت نخست از ساختار آیه ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ﴾ (قارعة/۱۰) استفاده کرده، و در بیت دوم با اقتباس لفظی از آیه ﴿تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً﴾ (الغاشية/۴)، به بیان سوزناکی شور و اشتیاق خود می‌پردازد، و عشق را آتشی گرم و شعله‌ور می‌داند که وجودش را دربر گرفته است.

قَدْ جَرَعْتَنِي صُرُوفُ الدَّهْرِ مُرْتَغِمًا لَوَاعِبًا كَحَمِيمٍ أَوْ كَغَسَّاقٍ

- روزگار همچون نوشاندن آب داغ و خونابه، مرا به ناچار با مصیبت‌های سوزناکی دچار ساخت.

عائشه در این بیت از آیه ﴿هَذَا قَلْبُ قُوَّةٍ حَمِيمٍ وَغَسَّاقٍ﴾ (ص/۵۷) اقتباس کرده است، تا شدت مشکلات و مصیبت‌های خود را در روزگار نشان دهد:

لَوْ جَاءَ عَرَّافُ الْيَمَامَةِ يَتَغَيُّ بُرْنِي لَرَدَّ الطَّرْفَ وَهُوَ حَسِيرٌ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۱۸)

- اگر فالگیر و طیبب یمامه بیاید تا سبب شفای مرا بداند، ناتوان و حیران با ناامیدی باز خواهد گشت.

شاعر در این بیت از آیه ﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک/۴) اقتباس کرده است، تا غم و اندوه فراوان خود را در فراق دخترش (توحیده) نشان دهد، که در آغاز جوانی وفات یافت، و مادرش را هفت سال تمام داغدار نمود.

مِمَّا يَحْمِلُهُ إِلَيْكَ تَحِيَّةٌ فِي كُلِّ يَوْمٍ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
فَلَهُ عَلَى يَدَيْ أَدِينُ بِشُكْرِهَا إِذْ مَا اتَّخَذْتُ سِوَاهُ قَطُّ رَسُولًا

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۳۹)

- قلب من در هر بامداد و شامگاهی، حامل سلامی برای توست.

- پس او بر من نعمتی دارد که شکر آن را به جای خواهم آورد؛ بنابراین هیچ‌گاه فرستاده‌ای، غیر از او برای خود نگرفتم.

در بیت نخست از آیه ﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ (احزاب/۴۲) و آیه ﴿وَإِذْ كُنَّا نُرَبِّتُكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ (انسان/۲۵)، اقتباس صورت گرفته است. هم‌چنین شاعر در بیت دوم از ساختار آیه ﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي آتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً﴾ (فرقان/۲۷) بهره برده است.

البته گاهی شاعر به داستان‌های قرآنی نیز اشاره می‌کند؛ از جمله به نابیناشدن چشمان یعقوب(ع)، به خاطر گریستن بسیار او بر یوسف(ع):

وَ اَبْيَضَّتِ الْعَيْنُ مِنَ يَعْقُوبَ وَ اَنْسَكَبَتْ حُزْنًا عَلٰى يُوسُفَ فِي فَيْضِ عَبْرَاتِ

(تیمور، ۱۸۸۶: ۵۶)

- و دیدگان یعقوب از شدت گریستن بر یوسف سفید شد(نابینا شد).
در قرآن کریم نیز همین موضوع آمده است: ﴿وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِیُّضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾: «روی خود از آن‌ها بگردانید و گفت: ای اندوها بر یوسف! و چشمانش از غم سپیدی گرفت و هم‌چنان اندوه خود فرومی‌خورد» (یوسف/۸۴).

از سویی دیگر یکی از خصوصیات بارز سروده‌های پروین اعتصامی بهره‌گیری او از آیات کریمه و نورانی قرآن است. او با اندیشه‌های حکیمانه خود، گوشه‌ای از هنرنمایی خویش را در تبلور معانی قرآن به تصویر کشیده است.

راز ماندگاری نام پروین را باید در اعتقاد شاعر به قرآن مجید، حقایق عملی و زندگی معنوی و حیات عرفانی او جستجو کرد؛ به‌گونه‌ای که این صفت برتر، دیوان او را به رساله‌ای اخلاقی، و شعرش را به مکتب‌خانه‌ای برای ادب‌آموزی و تعلیم و تربیت راستین تبدیل کرده است.

در یک جمله «باید درخشش انوار تعالیم عالیه قرآنی و روایی و حکمت علمی و عملی و اخلاقی، سیاسی و تربیتی را از ویژگی‌های برجسته و ممتاز شعر پروین برشمرد» (فیضی، ۱۳۸۳ش: ۲۱۵). او قرآن را دبیرستان اخلاق و سمبل کمالات بشری معرفی می‌کند(اعتصامی، ۱۳۸۴ش: ۷۵):

تو را فرقان دبیرستان اخلاق و معالی شد

چرا چون طفل کودن زین دبیرستان گریزانی

پروین همانند عائشه تیمور گاهی از واژگان قرآنی بهره می‌جوید، که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود (همان: ۶۴):

تا کی این خام‌فریبی تو نه یا جوجی چند بلعیدن مردم تو نه ثعبانی
واژه یا جوج در مصراع نخست، برگرفته از این آیه قرآنی است: ﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ (کهف/ ۹۴)؛ هم‌چنین کلمه "ثعبان" نیز در قرآن کریم ذکر شده است: ﴿فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾ (شعراء/ ۳۲).

تشنه سوخته در خواب بیند که همی به لب دجله و پیرامن کوثر گردد
(اعتصامی، ۱۳۸۴ ش: ۴۰۵)

واژه کوثر در مصراع دوم، برگرفته از آیه ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر/ ۱) است.

ساحر، فسون و شعبده‌انگارد نور تجلی و ید بیضا را
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۲۷۶)

مصراع دوم اقتباسی از عبارت "ید بیضا" در این آیه مبارکه است: ﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ﴾ (اعراف/ ۱۰۸).

پروین گاهی با تلمیح و اشاره، مضمون و یا داستانی قرآنی را در شعر خود به‌کار می‌گیرد؛ چنانکه در بیت زیر آمده است:

بر تن خاکی دمیدم جان پاک خیرگی‌ها دیدم از یک مشت خاک
(اعتصامی، ۱۳۸۴ ش: ۱۶۷)

مفهوم بیت اشاره دارد به آیه: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر/ ۲۹).

مادر موسی چو موسی را به نیل درفکنند از گفته رب جلیل
(اعتصامی، ۱۳۸۴ ش: ۳۳۳)

این بیت اشاره دارد به قسمتی از داستان حضرت موسی(ع)، که در آن مادرش فرزند خود را به اذن خداوند در رودخانه نیل می‌افکند: ﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْذِفِي فِي النَّبُوتِ فَأَقْذِفِي فِي الْيَمِّ﴾: «آنگاه که بر مادرت آنچه وحی کردنی بود، وحی کردیم؛ که او را در صندوقی بیفکن، صندوق را به دریا افکن» (طه/۳۸-۳۹).

ب. سوگواره‌های مشترک در رثای پدر

از ویژگی‌های مشترک در اشعار عائشه تیمور و پروین اعتصامی، اندوه و غمی است که بر اشعار آن‌ها سایه افکنده است. از این رو در اشعار هر دو، شاهد مرثیه هستیم. مرثیه‌سرایی دو شاعر برای پدر خود، از جمله مرثیه‌های مشترک در اشعار آنهاست؛ پدران عائشه و پروین، نقش بارزی در شکل‌گیری و شکوفایی استعداد ادبی دختران خود ایفا کردند. پدر عائشه، اسماعیل پاشا تیمور، از بزرگان حکومت محمدعلی و خدیو اسماعیل و رئیس منشیان دیوان خدیوی بود و به شش زبان، از جمله فارسی و ترکی تسلط داشت (تیمور، ۱۹۷۰م: ۶۳). همان‌طور که اشاره گردید، عائشه با کمک‌ها و تشویق‌های پدرش بود، که توانست وارد عرصه ادبیات و سرودن شعر گردد (زکی، بی‌تا، ج ۲: ۴۴۰).

هم‌چنین پدر پروین، یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، مردی صاحب‌فکر و از روشنفکران زمان خود بود. منزل او محفل ادبا، و میعادگاه دانش‌پژوهان و سخنوران بود. همین رفت و آمدها و سعه صدری که پدر در آزادگذاشتن پروین در این معاشرت‌ها داشت، به پروین فرصت داد تا استعداد شاعری‌اش را شکوفا کند (شریعت، ۱۳۶۶ش: ۷۵).

عائشه در قصیده‌ای جانگداز در سوگ پدر خویش، آن را با مطلع زیر آغاز می‌کند:

عَزَّ الْعَزَاءُ عَلَىٰ بَنِي الْعَبْرَاءِ لَمَّا تَوَارَىٰ الْبَدْرُ فِي الظُّلَمَاءِ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۲۸)

- سوگ و ماتم بر قوم عرب سخت گردید؛ آنگاه که ماه شب چهارده (پدرم) در میان تاریکی شب پنهان شد.

او سپس با خطاب قراردادن پدرش، از اینکه جام فراق و دوری را به او چشانده است، شکوه سر داده و می‌گوید:

أَبْتَاهُ قَدْ جَرَعْتَنِي كَأْسَ النَّوَى يَا حَرَّ جَرَعْتِهِ عَلَيَّ أَحْشَائِي
أَبْتَاهُ قَدْ حَشَّ الْفِرَاقُ حَشَائِي هَلْ يَرْتَضِي الْقَلْبُ الشُّقُوقُ جَفَائِي؟

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۲۸)

- پدرم! جام فراق و دوری را به من چشانیدی؛ وای بر سوزش چشیدن آن که درونم را سوزاند!

- پدرم! جدایی، درونم را فرا گرفت؛ آیا قلب مهربان(تو)، از ستم بر من خوشنود است؟!؟

پروین نیز برای پدر خود مرثیه می‌سراید و در غم فراقش ناله سر می‌دهد؛ مرگ پدر، تیشه‌ای بود که بر درخت زندگانی پروین وارد آمد:

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من
یوسف نام نهادند و به گرگت دادند مرگ، گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من

(پروین، ۱۳۸۴ش: ۴۱۴)

وی به هنر و ادب والای پدرش اشاره کرده، و او را گرفتار زندان خاک می‌داند: مه گردون ادب بودی و در خاک شدی خاک، زندان تو گشت ای مه زندانی من

(همان: ۴۱۴)

ج. عاطفه مادری

از دیگر مضامین مشترک در اشعار عائشه تیمور و پروین اعتصامی، عاطفه مادری است که هر دو شاعر آن را در اشعار خود بروز می‌دهند. عائشه دختر خود (توحیده) را در عنفوان جوانی از دست داد، «هفت سال پیاپی در فراق او گریست» (الصویرکی،

۲۰۰۸م، ج ۳: ۱۰) و در مرثیه‌ای عاطفه مادری‌اش را اینگونه بیان می‌دارد:

طَافَتْ بِشَهْرِ الصَّوْمِ كَاسَاتِ الرَّدَى سَحْرًا وَ أَكْوَابِ الدَّمُوعِ تَدْوَرُ
وَ مَضَى الَّذِي أَهْوَى وَ جَرَّعَنِي الْأَسَى وَ غَدَّتْ بِقَلْبِي جَذْوَةً وَ سَعِيرُ
نَاهِيكَ مَا فَعَلْتَ بِمَاءِ حُشَاشَتِي نَارًا لَهَا بَيْنَ الضُّلُوعِ زَفِيرُ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۱۷-۱۸)

- در بامدادی از ماه روزه، تا جام‌های مرگ به گردش درآمد، قدح‌های اشک حسرت نیز به گردش افتاد.
- آن که دوستش داشتم رفت و شرنگ غم و غصه را به من چشانید و از فراق او در دلم آتشی برپا شد.
- آه از آتشی که بین دنده‌هایم افروخته شد و سرچشمه حیاتم را خشکانید.

در همین قصیده، از زبان دختر خود می‌گوید:

أَمَّاهُ قَدْ عَزَّ اللَّقَاءُ وَ فِي غَدِ سَتَرِينَ نَعِشِي كَالْعُرُوسِ يَسِيرُ
أَمَّاهُ لَا تَنْسَى بِحَقِّ بُنُوتِي قَبْرِي لِئَلَّا يَحْزَنَ الْمَقْبُورُ

(تیمور، ۱۸۸۶م: ۱۸)

- مادرم! دیدار سخت گردید؛ و فردا جنازه مرا خواهی دید که هم‌چون عروسی به حرکت درمی‌آید.
- مادرم! به حق دختر بودن تو، قسمت می‌دهم که هیچ‌گاه قبر مرا فراموش نکن، تا مبدا آنکه در آن خفته است اندوهگین شود.

از دیگر سو «پروین هرگز به مقام بزرگ مادری نایل نشد، اما مراحل مختلف زندگی زنان، از جمله مادر بودن را به خوبی به تصویر کشیده است» (پیکان‌پور، ۱۳۸۸ش: ۲۹)؛ از جمله در قالب تشبیه ضمنی می‌گوید:

حدیث مهر کجا خواند طفل بی‌مادر نظام و امن کجا یافت ملک بی‌سلطان

(اعتصامی، ۱۳۸۴ش: ۲۷۲)

پروین با به تصویر کشیدن نیازهای عاطفی متقابل میان مادر و فرزند، به زیبایی در اشعار خود به چنین روابط دلسوزانه‌ای میان آن دو اشاره می‌کند؛ از جمله در قطعه شعری از زبان دختری بی‌مادر می‌گوید:

دختری خرد شکایت سر کرد	که مرا حادثه بی‌مادر کرد
مادرم مُرد و مرا در یم دهر	چو یکی کشتی بی‌لنگر کرد
مادرم بال و پَرَم بود و شکست	مرغ، پرواز به بال و پر کرد
من، سیه‌روز نبودم ز ازل	هرچه کرد، این فلک اخضر کرد

(همان: ص ۱۷۶)

نتیجه بحث

پروین اعتصامی و عائشه تیمور را باید دو چهره ماندگار زن، در ادبیات معاصر ایران و مصر دانست. این دو شاعر فرهیخته و متعهد، در دوره‌ای که اجازه رشد استعدادهای فکری و ادبی به زنان داده نمی‌شد، توانستند با پشتکار و فعالیت خویش و نیز حمایت بی‌دریغ پدران خود، وارد عرصه ادبیات گردند، و عاطفه و احساسات زنانه خویش را در کالبد اشعار نغز و شیوا بدمند. وجود برخی مضامین دینی و اخلاقی مشترک و نیز بهره‌گیری دو شاعر از آیات وحی در اشعارشان، و هم‌چنین وجود مرثیه‌های زیبا در رثای پدران، از جمله مضامین مشترک در اشعار عائشه و پروین است.

هر دوی آن‌ها ضمن التزام عملی به مسئله حجاب، زنان را بر داشتن حجاب و پاکدامنی، و دوری از هرگونه مظاهر بی‌بندوباری و برهنگی تشویق می‌کردند. هم‌چنین هر دو شاعر، زنان را از استفاده فراوان از زینت‌های مادی باز داشته و آن‌ها را به آراستگی به فضائل معنوی و اخلاق نیکو ترغیب می‌نمودند.

عائشه و پروین، با الهام از قرآن کریم، و بکارگیری واژگان و عبارات آن تلاش دارند تا اشعار خود را به زیور قرآن بیاریند و جلوه‌ای روحانی به آن ببخشند. عاطفه مادری که تجلیگاه احساسات زنانه است، به روشنی در اشعار دو سراینده دیده می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آرین پور، یحیی. ۱۳۷۶ هـ.ش. از نیما تا روزگار ما. چاپ دوم. تهران: زوار.
- اعتصامی، پروین. ۱۳۸۴ هـ.ش. دیوان پروین اعتصامی. مقدمه از ملک الشعراء بهار. چاپ دوم. تهران: انتشارات الهام.
- اکبری، منوچهر. ۱۳۸۰ هـ.ش. مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی. تهران: انتشارات تهران.
- ترابی، علی اکبر. ۱۳۸۵ هـ.ش. جامعه‌شناسی ادبیات فارسی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات فروزش.
- تیمور، عائشه. ۱۸۸۶ م. حلیة الطراز (دیوان عربی). قاهره: بدون مطبعة.
- _____ . ۱۸۸۸ م. نتائج الأحوال فی الأقوال و الأفعال. القاهرة: مطبعة محمد أفندی مصطفى.
- تیمور، محمود. ۱۹۷۰ م. اتجاهات الأدب العربی فی السنین المائة الأخيرة. القاهرة: مكتبة الآداب.
- دهباشی، علی. ۱۳۷۰ هـ.ش. یادنامه پروین اعتصامی. تهران: دنیای مادر.
- _____ . ۱۳۸۳ هـ.ش. بر ساحل جزیره سرگردانی. تهران: انتشارات سخن.
- روحانی (شیوا)، بابا مردوخ. ۱۳۸۲ هـ.ش. تاریخ مشاهیر کرد. چاپ دوم. تهران: سروش.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۲ هـ.ش. با کاروان حله. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی.
- زکی، محمدآمین. بی تا. مشاهیر الكرد و کردستان. إعداد رفیق صالح. السليمانية: منشورات بنکه ی ژین.
- زیادة، می. ۱۹۸۳ م. عائشه تیمور (شاعرة الطليعة). الطبعة الثانية. بيروت: مؤسسة نوفل.
- شریعت، محمدجواد. ۱۳۶۶ هـ.ش. پروین، ستاره آسمان ادب ایران. تهران: انتشارات علمی.
- صقر، عبدالبدیع. ۱۹۶۷ م. شاعرات العرب. بی جا: منشورات المكتبة الإسلامية.
- صویرکی کردی، محمدعلی. ۲۰۰۸ م. الموسوعة الكبرى لمشاهیر الكرد عبر التاريخ. بی جا: الدار العربية للموسوعات.
- عبدالرحمن، عائشة. ۱۹۶۲ م. الشاعرة العربية المعاصرة. القاهرة: مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- عبدالمنعم خفاجی، محمد. ۱۹۹۲ م. قصة الأدب فی مصر. جلد سوم. بیروت: دارالجيل.
- عقاد، عباس محمود. بی تا. شعراء مصر. بیروت: منشورات المكتبة المصرية.
- فهمی، منصور. ۱۹۵۴ م. محاضرات عن میّ زیادة. قاهره: بدون مطبعة.

فواز، زینب. ۱۳۱۲ هـ.ق. *الدر المثور فی طبقات ربات الخدور*. قاهرة: بولاق.
فیضی، کریم. ۱۳۸۳ هـ.ش. *راز پروین*. چاپ اول. قم: انتشارات مطبوعات دینی.
کحاله، عمر رضا. ۱۹۸۴ م. *أعلام النساء (فی عالمی العرب و الإسلام)*. الطبعة الخامسة. بیروت: مؤسسه الرسالة.
کفافی، محمد عبدالسلام. ۱۳۸۲ هـ.ش. *ادبیات تطبیقی*. ترجمه حسین سیدی. چاپ اول. مشهد: به نشر.
الوائلی، عبدالحکیم. بی تا. *موسوعة شاعرات العرب*. جلد دوم. عمان: دار أسامة.

مقالات

پیکانپور، مریم. بهار ۱۳۸۸ هـ.ش. «مادر از دیدگاه دو ادیب معاصر: پروین اعتصامی و انیسه عبود». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت. سال سوم. ش ۹. صص ۴۵-۲۷.
خسروی، زهرا. پاییز ۱۳۸۷ هـ.ش. «بررسی مقایسه‌ای تحولات شعر معاصر عربی از عصر نهضت به بعد و تحولات شعر معاصر فارسی از عصر مشروطیت به بعد». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت. سال دوم. ش ۷. صص ۳۳-۱۱.
محمدی، فاطمه. ۱۳۸۷ هـ.ش. «پروین اعتصامی؛ شاعر فضیلت و انسانیت». فصلنامه بانوان شیعه. سال پنجم. ش ۱۵.